



زهرا شوشتری
کارشناس حقوق

پاسخ به پرسش‌های حقوقی

در این ستون به پرسش‌های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می‌شود. مخاطبان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرآرا به شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.

لطفا درباره چگونگی فرزندخواندگی راهنمایی بفرمایید. آیا قوانین سختی در پیش دارد؟

طبق قوانین و مقررات فرزندخواندگی، سه دسته از افراد توانایی درخواست حضانت کودکان را از سازمان بهزیستی دارند. اول اینکه باید پنج سال از ازدواج متقاضیانی که فرزند ندارند گذشته باشد و مدارکی مبنی بر بچه‌دار نشدن آن‌ها از سوی پزشکی قانونی به سازمان بهزیستی ارائه کنند. در اولویت دوم، دختران و زنانی هستند که پیش از سی سال سن دارند و هنوز مجردند. هم‌چنین زنانی که ازدواج کرده‌اند و در حال حاضر تنها زندگی می‌کنند. جزو اولویت‌های ما برای سپردن کودک محسوب می‌شوند. در مرحله سوم نیز اولویت با والدینی است که فرزند دارند اما متقاضی فرزندخواندگی هستند. البته در این میان، اولویت با زوج‌هایی است که بچه‌دار نمی‌شوند. از سوی دیگر، پدرها و مادرهایی که سنشان کمتر از پنجاه سال است در مقایسه با افراد دیگر در اولویت هستند. خانواده‌های متقاضی ابتدا باید پرونده تشکیل و مدارک خود را مبنی بر نداشتن اعتیاد، داشتن تمکن مالی، سلامت روح و جسم و برخی شرایط عمومی دیگر ارائه دهند. سپس مددکار سازمان از محل سکونت آن‌ها تحقیق می‌کند و در نهایت پرونده در کمیته ویژه در سازمان بهزیستی هر استان پیگیری و بررسی می‌شود. پس از سبوری کردن مراحل قانونی، خانواده متقاضی فرزندخواندگی، فرزند مورد نظر خود را تحویل می‌گیرند. البته باید در نظر داشت برای انجام این فرایند به صبر و شکیبایی نیاز است.

چند مرتبه می‌توان نام خود را در شناسنامه عوض کرد؟

آنچه در قانون برای تغییر نام پیش‌بینی شده، تعداد دفعات را در نظر نگرفته است و غالباً یک بار بیشتر این امکان وجود ندارد، اما بسته به ثبت احوال یا مرجع قضایی مربوط، امکان تغییر دوباره نام وجود دارد.



روزهایی به رنگ زندگی

مریم قربان‌زاده که تاکنون روایتی روان و صمیمی از خاطرات و احساسات مادران و همسران شهید و جانبازهای دفاع مقدس داشته این بار در اثر تازه‌اش با زنی همراه شده است که شهر و کشور خود را ترک می‌کند تا با همسرش به عراق و شهر نجف مهاجرت کند. شیخ اسماعیل فردوسی‌پور، همسر این زن، طلبه‌ای انقلابی است که در دوران قبل از انقلاب ممنوع المنبر شده و تصمیم گرفته است در نجف، خود را به آقای خودش آیتا... روح... خمینی برساند و همسرش، بتول باوقار، او را در این راه و تصمیم یاری می‌کند. آن‌ها حوض شربت، محله‌ای در شهر فردوس، را به مقصد نجف ترک می‌کنند. شبانه و پیاده از مرز ایران و عراق رد می‌شوند و دوازده سال را در نجف و در همسایگی امام می‌گذرانند. حوض شربت روایت رنج‌ها، دل‌تنگی‌ها و خاطرات زندگی آن سال‌هاست، سال‌هایی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ هجری شمسی، سال‌هایی که آستان اتفاقات بزرگ سیاسی و اجتماعی بوده است.

قربان‌زاده برای اولین بار راوی داستانی خاطرات یاران امام در نجف و سال‌های تبعید شده است، حیطه‌ای که هنوز کسی پای در آن نگذاشته و اثری درباره آن ننوشته است. حوض شربت بر خلاف آثار دیگر این نویسنده با زاویه دید بیرونی سوم‌شخص از نوع سوم‌شخص محدود به شخصیت بتول نوشته شده است و دسترسی بیشتری به افکار، خاطرات و تجربیات این شخصیت کتاب دارد. نثر خوش‌خوان و صمیمی حوض شربت خواننده را با خود تا پایان کتاب همراه می‌کند. هم‌چنین روایت داستانی‌تر این اثر بر کیفیت آن افزوده است. مریم قربان‌زاده، نویسنده کتاب‌های شهربانو، خاتون و قوماندان، در یادل، روضه ابوالفضل^(۱)، پس از ۱۰ سال، ورودی ۶۲، خیامی مصلح، بچه‌رضاشهر و روایت بی‌قراری نیز هست و کتاب حوض شربت او در ۳۱۸ صفحه در سال ۱۴۰۱ از سوی نشر ستاره‌ها به چاپ رسیده است.

بخشی از کتاب

وقتی به نجف رسیدند طوفان‌های شن نجف خانه بتول را با لایه ضخیمی از گرد و خاک پوشانده بود. خاک غربت بود به قول بتول. اگر الان در دیار خودش بود، خانه را مثل دسته‌گل تحویل می‌گرفت. پدرش جلو پای دختر حاجیه‌اش گوسفندی قربانی می‌کرد و ولیمه‌ای می‌داد که کل فردوس انگشت‌به‌دهان بماند.

اینک از سفر حج آمده بود اما پدر و مادرش نبودند که زیارت قبولی‌اش بگویند. صدای چاووشی از کوچه‌شان بلند شود و همسایه‌هایش تک‌به‌تک با منقل سپند از خانه‌ها بیرون بیایند و دود اسپند در خانه و محله بپیچد.

به خانم سلطان هم همین‌ها را گفت: اگر الان ایران بودیم، برایمان گوسفند می‌کشتند و محله را چراغانی می‌کردند. اینجا برای دیدن حاجی و زیارت قبولی هم کسی نیامد.

بار سفر را باز کردند. پارچه‌های منقوح دوزی و گل‌بافت زیبا را که از بازار مکه و مدینه خریده بود در بقچه جدایی مرتب کرد تا در فرصت لازم برای خودش و منیره لباس بدوزد.



حوض شربت

• نویسنده: مریم قربان‌زاده

شهرزاد

دکتر سمانه پورمحمد

پژوهشگر ارتباطات و رسانه



نقش کمرنگ اسرای زن در سینما

تاریخ ایران شاهد گویایی بر حضور همه‌جانبه و فعالانه زنان ایرانی در صحنه‌های گوناگون فرهنگی، دفاعی، رزمی، سیاسی و اجتماعی است. نقش زنان در سرنوشت یک جامعه اساساً



فیلم‌های سینمایی، عکس‌ها و تصاویر زیادی از سربازان، شهدا، جانبازان و آزادگان در دست است که نقش اول همه آن‌ها مردان این سرزمین هستند. زن در سینمای جنگ تنها در حد عاملی برای پرداختن به زندگی خانوادگی رزمنده، البته در سطحی‌ترین شکل آن که شامل حضور زن در خانه، نگهداری از بچه‌ها و بدرقه رزمنده تا محل اعزام به جبهه و... باشد مورد توجه قرار گرفته است. شیدا، گیلا، روبان قرمز، اشک سرما، برج مین، نجات‌یافتگان، بوی پیراهن یوسف، روز سوم، شیار ۱۴۳ و کیمیا فیلم‌هایی با محوریت زنان در ژانر دفاع مقدس هستند اما هیچ رد پای به‌وضوح از زنان رزمنده در این آثار مشاهده نمی‌شود. شاید چون فرهنگ مردمان شرق به‌ویژه ایرانیان و مسلمانان فرهنگی محبوب و پر از ملاحظه است، زنان در بیان خاطراتشان بسیار محتاط‌ترند. برای یک زن مسلمان ایرانی بسیار دشوار خواهد بود که بگوید در وسط خون و آتش چطور عاشق شده و یا اگر اسیر شده است در اسارت چه بر سر او آورده‌اند. برای زنانی که جنگ را دیده‌اند، جنگ هرگز به پایان نمی‌رسد زیرا همواره رنج چشم‌انتظاری و زخم‌های روحی که برجا مانده، با آن‌ها هم‌خانه بوده و چون تابلویی از دیوار دلشان آویخته است.

انکارناپذیر است و نمی‌توان بر آن چشم پوشید. در هیچ پدیده سرنوشت‌ساز و برجسته‌ای نمی‌توان از یک جنس یعنی مردان سخن گفت اما زنان را نادیده گرفت. البته متأسفانه و به‌رغم حقایق و وقایع این مسئله بارها در طول تاریخ رخ داده است. جنگ نیز مانند هر بحران دیگری، واری جنس و جنسیت، همه را درگیر خود می‌کند. زنان در موقعیت‌های مختلف در کنار مردان تفنگ به دست گرفتند و در کسوت‌های مختلف در جبهه‌های جنگ حضور داشتند: فعالیت‌هایی چون نیروی نظامی، فعالیت‌های امدادی، پزشکی و پرستاری، حفاظت از انبارهای مهمات، تأمین غذا و شست‌وشوی لباس رزمندگان، حضور به‌عنوان خبرنگار، عکاس، راننده آمبولانس، کامیون و... در باره تعداد اسرای زن جنگ تحمیلی، آمار روشنی منتشر نشده، اما در برخی منابع از رقم ۷۱ و در برخی دیگر از ۱۷۱ اسیر زن در طول جنگ هشت‌ساله گفته شده است. این در حالی است که در روایت‌های رسمی اسم پنج زن اسیر شنیده می‌شود.

در شهرهای مرزی که درگیر جنگ بودند زنان زیادی زندگی می‌کردند که اگر خود آن‌ها به جبهه نرفته بودند، جبهه به خانه آن‌ها نفوذ پیدا کرده بود.

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب‌امتیاز
ومدیومسئول:
شهرداری مشهد
مدیرعامل:
سیدمیثم موسوی مهر
سرمدیر:
سیدسجاد طلوع‌هاشمی
دبیرضمانت:
ارژنگ حاتمی
مسئول‌ضمیمه:
حمیده وحیدی
صفحه‌آرایی وگرافیک:
ملک‌جمعی